

خیالت دوگراف
پیتر واخنار، پتريک فون مارافیک

چشم اندازهای نظری فساد

ترجمه‌ی

د. اور حسن بنی هاشم زاده، محمد فاضلی

هاله هاشم زاده، جلیل یاری



This is a Persian translation of
The Good Cause: Theoretical Perspectives on Corruption
edited by Gjalte de Graaf et al.
Barbara Budrich Publishers, Opladen & Farmington Hills, MI 2010
Translated by D. H. Hāshemzādeh et al.
Āgāh Publishing House, Tehrān, 2016

عنوان و نام پدیدآور: چشم‌اندازهای نظری فساد/ ویراستاران خیالت دخراف، پیتر واخنار، پتریک فون مارفیک؛ ترجمه‌ی داود حسینی هاشم‌زاده [و دیگران].
مشخصات نشر: تهران: آگاه، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۸۲ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک: 978-964-416-348-7
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
داشت: ترجمه‌ی داود حسینی هاشم‌زاده، محمد فاضلی، هانیه هژبرالسادات، جلیل یاری.
عنوان اصلی: The Good Cause: Theoretical Perspectives on Corruption, 2010.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۵۳.
موضوع: فساد سیاسی
شناسه‌ی افزوده: خراف، خیالت د، ویراستار
شناسه‌ی افزوده: Graaf, Gjalte de
شناسه‌ی افزوده: ماراویچ، پاتریک فون، ویراستار
شناسه‌ی افزوده: Maravic, Patrick von
شناسه‌ی افزوده: واخنار، پیتر، ویراستار
شناسه‌ی افزوده: Wagenaar, Pieter
شناسه‌ی افزوده: هاشم‌زاده، داود، ۱۳۴۷، مترجم
رده‌بندی: ۱۳۹۴ هـ / ۵ / ج ۱۰۸۱ / JF
رده‌بندی: ۳۶۴/۱۳۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۴۷۲۹۳



خیالت دو گراف، پیتر واخنار، پتریک فون مارفیک
چشم‌اندازهای نظری فساد
ترجمه‌ی داود حسینی هاشم‌زاده، محمد فاضلی، هانیه هژبرالسادات، جلیل یاری
چاپ یکم ترجمه‌ی فارسی: زمستان ۱۳۹۴، آماده‌سازی و نظام‌یابی: دفتر نشر آگاه
(آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: سمیه حسینی، ویرایش: غلامحسین دهقانی، طراحی: مومن بخشی)
طراح جلد: محمودرضا لطیفی
چاپ و صحافی: دانشجو
شمارگان: ۵۵۰ نسخه
همه‌ی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

انتشارات آگاه

خیابان انقلاب، بین اردیبهشت و ۱۲ فروردین، شماره‌ی ۱۳۴۰
تلفن: ۶۶۴۶۷۳۲۳ / فکس: ۶۶۴۶۰۹۳۲

فروش اینترنتی: www.agahbookshop.ir

قیمت: ۲۴,۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش‌گفتار و سرفصلی کتاب
۱۷	قدردانی
۱۹	دیباچه
۲۵	فصل مقدماتی: مفهوم‌شناسی، تعاریف و گونه‌شناسی فساد
۵۷	فصل یکم: درآمد: علل فساد — پرسش درست — چشم‌انداز درست؟
۷۱	فصل دوم: ماکس وبر، بوروکراسی و فساد
۱۰۱	فصل سوم: فساد و مبارزه با آن در جوامع منشعب
۱۲۱	فصل چهارم: اقتصاد نهادی فساد
۱۵۳	فصل پنجم: درک فساد: با استفاده از نظریه‌ی نظام‌ها
۱۸۷	فصل ششم: طراحی نهادی و حکمرانی خوب
۲۱۱	فصل هفتم: ساخت فساد
۲۴۳	فصل هشتم: جرم‌شناسی فساد
	فصل نهم: رویکرد چندگانه به پژوهش‌های فساد: به سوی یک چارچوب
۳۰۱	چندسطحی جامع برای مطالعه و علت‌شناسی فساد
۳۳۵	فصل دهم: مفاهیم، علل و طرف ثالث مغفول: بزه‌دیده‌ی فساد
۳۵۳	کتاب‌نامه

پیش‌گفتار و معرفی کتاب^۱

به نام خدایتعالی و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

هدف اصلی این کتاب طرح و یکبردهای نظری‌ای است که محققان برجسته‌ی حوزه‌ی مطالعات فساد برای فهم و تبیین علل مسئله‌ی فساد بیان کرده‌اند. پیش از بحث درباره دغدغه‌ای که منجر به انتخاب این کتاب برای ترجمه شد و هم‌چنین معرفی کتاب، مناسب است به کارکردهای نظریه اشاره‌ی مختصری شود تا اهمیت و ضرورت نظریه‌پردازی در مطالعات فساد نمایان شود.

نظریه‌ها موجب دقیق‌شدن افکار و استفاده از آن‌ها در موارد خاص می‌شوند. راه‌های ارجاع یک نظریه به مسئله‌ی نظری را می‌توان به چهار مقوله (روش) تقسیم کرد که محققان از آن طریق از نظریه‌ها استفاده می‌کنند. این مقولات چهارگانه عبارت‌اند از:

الف) نظریه در خلال حل یک مسئله‌ی نظری می‌تواند موجد

۱. در معرفی کتاب از منبع زیر استفاده شده است.

Palidauskaitė, Jolanta (2010), "A New Approach Towards Studying the Causes of Corruption", *Viešojo Politika ir Administravimas*, Nr. 34, pp. 152-155.

اندیشه‌های پیش‌تری شود.

ب) نظریه می‌تواند مدل‌هایی از موضوع مورد بحث را القا کند که نوعی توصیف منظم از آن حاصل شود. چنین توصیفی را می‌توان به‌عنوان چارچوبی برای گنجاندن افکار و صراحت بخشیدن به آن‌ها مورد استفاده قرار داد.

ج) تحلیل انتقادی نظریه‌ها می‌تواند نظریه‌ای جدید ایجاد کند.
د) نظریه القاکننده‌ی فرضیه‌هاست (اسکیدمور ۱۳۷۲: ۳).

نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی فقط درباره‌ی مسائل جامعه روشن‌گری نمی‌کند بلکه رد این نظریه‌پردازی در معرض روشن‌گری، نقد، تأمل و تأویل مجدد قرار می‌گیرد (گیدنز ۱۳۸۶).

در واقع هیچ‌یک از نظریه‌پردازی وجود ندارد. اگر از آن پرهیز کنیم، با کوهی از داده‌ها، برداشت‌های نیازمند تنظیم و تفسیر مواجه‌ایم (اسکیدمور ۱۳۷۲: ۱۳).

به‌طور خلاصه، نظریه‌ها سه را متوجه این نکته می‌کند که در جست‌وجوی معرفت نظام‌یافته، باید به دنبال چه چیز بگردد و از چه چیزهایی اجتناب کند. در واقع یکی از موارد مهم استفاده از نظریه‌ها و به‌کاربردن مجموعه‌ای از مفاهیم مشتق از نظریه، آن است که تحقیق را به سمت بررسی داده‌ها و پدیده‌هایی سوق می‌دهد که ناگزیر در تاریکی مانده بودند.

در بررسی پدیده‌ی فساد نیز، برای فهم آن و تبیین علل و عوامل مؤثر بر بروز آن و البته مطالعه‌ی پیچیدگی و چندلایگی آن، شناخت نظریه‌های مطرح در این زمینه و بهره‌برداری از آن‌ها ضروری است؛ این مهم هدف اصلی ترجمه‌ی کتاب حاضر است.

دغدغه‌ی دیگری که منجر به ترجمه‌ی این اثر شد، مرور بیش از پنجاه رساله در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه‌های ایران بود که همه نشان از نبود رویکردهای نظری در مطالعات فساد داشتند. ناآشنایی

محققان با نظریه‌هایی که برای تبیین فساد مورد استفاده قرار گرفته‌اند از یک سو و نداشتن رویکرد نظری در مطالعه‌ی فساد، از سوی دیگر، از ضعف‌های جدی پژوهش‌هایی است که به مطالعه‌ی این پدیده در ایران پرداخته‌اند. مرور این آثار نشان از فهم نادرست اکثر پژوهش‌گران از پدیده‌ی فساد در ابعاد مفهومی و نظری آن دارد که منجر به تولید نشانه‌هایی انباشته از بدفهمی و حتا غلط‌های فاحش شده است. به نحوی که اغلب محققان در این حوزه دچار خلط مفهومی می‌شوند و به نام سلامت اداری، فساد را مورد بررسی قرار می‌دهند؛ یا هنگام مطالعه‌ی سلامت به مطالعه تندرستی (سلامت) سازمانی^۲ می‌پردازند، بدون توجه به این مفاهیم نظریه‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های متفاوتی دارند.

در بسیاری از سال‌ها نیز مفهوم سلامت اداری و فساد اداری واجد معنای یکسان (دو روی یک سکه) اند؛ برای بسیاری از مدیران صحبت کردن از لزوم ارتقای سلامت اداری، برای اشاره به مفهوم فساد مالی-اداری، در جایی است که با فرد مقابل و سازمان مقابل رودرپایستی‌های خاصی وجود دارد و به سبب دربارهی لزوم بررسی وضعیت فساد و مبارزه با فساد در یک دستگاه، حاصل به راحتی امکان‌پذیر نیست. به بیان دیگر، به دلایل متعدد (سیاسی، امنیتی و ...) همواره موضوع فساد، تحت عنوان سلامت اداری، مورد بحث قرار گرفته است. آن هم نه با اتخاذ رویکرد نظری خاص، و نه حتا با درک درست از مفهوم فساد و در نتیجه حتا با سنجش ناقص و گاه نادرست آن!

بنابراین، رسالت اصلی مباحث نظری مورد بحث در این کتاب بازکردن فهم راه‌های متفاوت و دیدگاه‌های نظری است که می‌توان به موضوع

1. integrity

2. organizational health

۳. برای مثال نگاه کنید به: همایش ملی پلیس و ارتقای سلامت اداری، جلد اول، تهران، بازرسی کل ناجا، مرکز تحقیقات کاربردی، ۲۱ آبان ۱۳۹۳.

فساد ارتباط داد. تمرکز اصلی متن بر راه‌های متفاوتی است که از آن طریق محققان دانشگاهی به موضوع فساد نگاه می‌کنند (به‌طور ویژه‌تر، پاسخ به این پرسش که «دلایل فساد به چه شکل مطالعه شده‌اند؟»). در مجموعه‌ای به این وسعت، با توجه به تنوع دیدگاه‌ها، این امر اجتناب‌ناپذیر است که خوانندگان رویکردهایی را خواهند یافت که با دیدگاه‌های آن‌ها هم‌خوانی ندارد. همان‌گونه که مورتون دویچ و رابرت کراوس (۱۳۷۴) به‌درستی بیان کرده‌اند، نظریه مثل تور ماهی‌گیری است. «هی‌گیر تو، می‌اندازد تا ماهی صید کند، نظریه‌پرداز هم تور می‌اندازد تا بخشی از واقعیت را صید کند. نظریه‌های مورد بحث در این کتاب نیز هر یک، بخشی از واقعیت فساد را تحلیل کرده‌اند و هر یک به دسته‌ای از متغیرها که می‌تواند عامل فساد محسوب شوند، پرداخته‌اند.

پژوهش‌گر آمریکایی، گرال کایدن^۱، که به‌خاطر مطالعات تطبیقی در زمینه‌ی فساد شهرت دارد، در مقدمه این کتاب اظهار می‌کند «به‌رغم این‌که موضوع فساد از آغاز سده بیستم به‌طور گسترده به بشریت به کمال نرسیده است ادامه خواهد داشت، این حال یکی از مبهم‌ترین موضوع‌هاست.» فساد یک رفتار غیرقابل‌تنبول، ناخوشایند، غیراخلاقی و غیرقانونی است که آشکال مختلفی دارد. چه سبب‌هایی باعث فساد می‌شوند؟ چرا بعضی از انسان‌ها بیش از دیگران به فساد تمایل نشان می‌دهند؟ آیا این پدیده را محیط‌های سازمانی خاص، سبک‌های زندگی، ویژگی‌های فردی، عوامل داخلی و خارجی ایجاد می‌کنند؟ این‌ها فقط تعدادی از پرسش‌هایی هستند که نویسندگان این کتاب سعی می‌کنند پاسخی برای‌شان پیدا کنند.

پرسش اصلی کتاب این است: دلایل فساد چه‌گونه بررسی شده‌اند؟ بخش‌های مختلف کتاب را دانشمندان مختلف علوم اجتماعی از جمله

اس. رز-اکرمن^۱ اقتصاددان، ویلیام روبینستاین^۲ و وام. هاندریام^۳ مورخ، پی. هیلر^۴ جامعه‌شناس، ویم هاوسمان^۵ و گ. فائده واله‌عی جرم‌شناس، بی. گای پیترز^۷ دانشمند علوم سیاسی و خ. دو گراف، ال. هویرتس^۸، پتریک فون مارافیک، پیتر واخنار و فرانک دو ازوارت^۹ متخصصان مطالعات حکومتی نوشته‌اند. هر پژوهش‌گر دیدگاه خود را ارائه می‌کند اما نقاط مشترکی در آن‌ها وجود دارد. تعریف فساد، انواع و دلایل فسادگونه^{۱۰} و دلایل ممکن فساد در هر بخش دیده می‌شود. افزون بر این، برخی از پژوهش‌گران ضمن ارائه مثال‌هایی از مطالعات تجربی، ریشه‌های تحقیق خود را توضیح می‌دهند و ضعف‌ها و قوت‌های اصلی خود را ارزیابی می‌کنند.

در این کتاب انواع گوناگونی از رشته‌های پژوهشی، با رویکردهای مختلف، موضوع فساد را بررسی می‌کنند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ۱. رویکرد نوع آرمانی و برابری، ۲. رویکرد کارکردگرایی ساختاری، ۳. رویکرد اقتصاد نهادی، ۴. رویکرد نظریه‌ی نظام‌ها، ۵. رویکرد پسااثبات‌گرایی، ۶. رویکرد جرم‌شناسانه و...

فصل مقدماتی به تبیین مفهوم فساد، دسته‌بندی تعاریف مطرح درباره‌ی فساد، گونه‌شناسی فساد و مصادیق آن اختصاص یافته است. در بحث از فساد به تاریخچه، مفهوم، ریشه‌ها و دلایل فساد آن و نیز مباحثی چون دسته‌بندی تعاریف فساد، انواع فساد، مفهوم ردای فساد جامعه‌ای، ساختار فساد در سطح کلان، پرداخته شده است.

1. S. Rose-Ackerman

2. William D. Rubinstein

3. M. Hoenderboom

4. P. Hiller

5. Wim Huisman

6. G. Vande Walle

7. B. Guy Peters

8. L. Huberts

9. Frank de Zwart

۱۰. تعاریف و گونه‌شناسی ارائه‌شده در این فصول کافی به نظر نرسید. از این رو، فصلی با عنوان «مفهوم‌شناسی، تعاریف و گونه‌شناسی فساد» تألیف و به کتاب اضافه شد.

11. Weberian-idealtypical approach

در فصل دوم رویینستاین و مارافیک سعی کرده‌اند به این سؤال پاسخ دهند که چرا ماکس وبر هرگز به فساد، توصیه و قوم‌و خویش‌گرایی اشاره نکرده است؛ به‌رغم این‌که این موضوعات، در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم، در بسیاری از کشورهای اروپایی شایع بود، برخی اطلاعات ارائه شده در این بخش درباره‌ی شیوع فساد عظیم در بریتانیای کبیر تکان‌دهنده است. راجع اولیه‌ی بسیاری ممکن است با مسئله‌ی فساد روبه‌رو شده باشند که در این باره وبر معتقد است جامعه‌ی آلمان بسیار پیشرفته بوده و نظام اداری‌اش مستقل و خالی از فساد بوده است.

به طایر خلاصه، رویکرد ویری به فساد سازمانی به مثابه پدیده‌ای نگاه می‌کند که ریشه در فرهنگ بروکراسی نابالغ بیرون آمده است، جایی که هنوز اقتدار عقلانی، قاننی ظاهری نکرده است.

دو ازوارت توضیح می‌دهد که چرا بسیاری از جوامع با مشکلات فساد یکسان مواجه می‌شوند. اندیشه‌های حاصل از نظریه‌ی جامعه‌ی منشوری (جامعه‌ای که حاوی ریزش‌های جامعه مدرن و سنتی است) ممکن است به درک این مسئله کمک کند که چرا ویژگی‌های مدرن — الزام به اداره‌ی عمومی بر اساس شایستگی، — تعهد به خویشاوندان و دوستان به صورت برابر ارزش گذاری می‌شود. از دیدگاه نظریه‌ی جامعه‌ی منشوری، فساد، توصیه و سفارش، حامی گرایان را پدیدار می‌آورد. نقص هایی نیستند که بتوان آن ها را در سیستم اصلاح کرد؛ زیرا یک عامل مشخص را اجرا می کنند.

در فصل چهارم اگر من از دیدگاه مدیر/کارگزار، در زمانی که اعتماد خدشه دار می شود، به فساد نگاه می کند. پژوهشگر با متمایز کردن سه علت فساد، هشدار می دهد که جدا کردن دلایل از نتایج، دشوار به نظر می رسد: (۱) شاخه ای از بخش عمومی ممکن است به عنوان یک دستگاه رانت خوار سازمان دهی شود. (۲) یک نظام دموکراسی اسمی ممکن است یک نظام انتخاباتی فاسد (پول تعیین کننده ی نتایج است) داشته باشد.

۳) دولت‌های درگیر در پروژه‌های بزرگ می‌توانند دارایی‌ها را به گونه‌ای انتقال دهند که بر تجارت داخلی و خارجی تأثیر زیادی داشته باشد.

هیلر اظهار می‌کند که از دیدگاه رویکرد سیستمی، فساد در درجه‌ی اول در درون شبکه‌ای از ساختارها اتفاق می‌افتد. چیزی که از نظر اخلاقی قابل سرزنش است و این که چه رفتارهایی در این زمره قرار می‌گیرند، در طول زمان و از مکانی به مکان دیگر متغیر است. فساد می‌تواند به منزله‌ی شکلی از یک ارتباط اجتماعی درک شود؛ به رغم این که ممکن است برخی‌های یک رفتار خودخواهانه یا غیرخودخواهانه را داشته باشد.

این ایده که برخی تلاش‌ها برای تقویت کارایی و دموکراسی، فرصت‌ها را بیشتر برای فساد به وجود می‌آورند متعلق به پیترز است. هر چه فرایند تصمیم‌گیری در دموکراسی پیچیده‌تر باشد، فساد سیاسی امکان‌پذیرتر می‌شود. گرچه هدف اولیه‌ی قوانین و روش‌های بوروکراتیک رسمی جلوگیری از فساد است، انعطاف‌نداشتن بوروکراسی بهانه‌ای برای فساد و پارتی‌بازی به وجود می‌آورد. اصلاحات اداری جدید و برنامه‌های اولویت ملی^۱ کنترل اخلاقی و سازمانی مدیران و قدرت پاسخ‌گویی آن‌ها را تضعیف می‌کنند.

دوگراف، واخنار و هاندریام بر دلایل و اثبات کاربرد اصطلاح فساد از زاویه‌ی رویکرد ساخت‌گرایانه تمرکز می‌کنند. فساد متناسب با محلی که در آن اتفاق می‌افتد، کسانی که در آن درگیر می‌شوند، اثباتی که بر جای می‌گذارد و مرتبه‌ای که در آن اتفاق می‌افتد، متغیر است. نتیجه‌ای که از رویکرد پسااثبات‌گرایی به دست می‌آید این است که معنای فساد و نتایج آن همیشه باید در موقعیت اجتماعی و تاریخی خاص خود بررسی شود.

هاوسمان و فاندو واله در آغاز بخش خود در این کتاب، اظهار می‌کنند که فساد شکلی از جرم و جنایت است. نظریه‌های جرم‌شناسی فساد را با

جرم و جنایت سازمان‌دهی شده، شغلی یا دولتی مرتبط می‌دانند. جرم‌شناسان انگیزه، احتمال فساد و استفاده از کنترل اجتماعی بر سطوح خرد، میانی و کلان را بررسی می‌کنند. رفتار ناسالم اکتسابی است، بنابراین انسان‌ها یاد می‌گیرند که فاسد باشند یا نه.

هوبرتس تأکید می‌کند که رویکرد چندوجهی به پژوهش در زمینه‌ی فساد ارزش‌مندتر است. مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، سازمانی و فردی شرایط لازم برای ظهور فساد را فراهم می‌کنند. در این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که رویکرد چندوجهی، در آزمودن دلایل فساد، پدیدآورنده‌ترین رویکرد است.

در بحث آخر، نویسندگان ایده‌های اصلی را خلاصه می‌کنند. آن‌ها یک تعریف جامع از فساد ارائه نمی‌کنند زیرا هدفی دست‌نیافتنی و بلندپروازانه است؛ تأکید می‌کنند که فساد یک عمل پیچیده‌ی اجتماعی است. این پدیده را نمی‌توان به راحتی توضیح داد اما درک آن بر اساس زمینه‌ی ظهورش میسر است. رای بررسی این پدیده هیچ‌یک از روش‌های تحقیق بر دیگری برتری ندارد و همه‌چیز به سطح تجزیه، تحلیل و قابلیت دسترسی به اطلاعات بستگی دارد. با این‌که مطالعات ضد فساد در حال پیشرفت است، درباره‌ی تئوری‌ها و ابزارها برای مبارزه با این مشکل حرف زیادی زده شده است. نقطه‌ضعف دیگری که در بحث‌های علمی وجود دارد — همان‌گونه که در گراف، مارافیک و واخنار نیز تأکید می‌کنند — بی‌توجهی به بزه‌دیدگان فساد است. به‌طور کلی رویکردهای تحقیق توجه کمی به بزه‌دیدهای فساد دارند. تحقیقات کمی در مورد بزه‌دیدگان مستقیم روابط ویژه‌ی فاسد وجود دارد.

اگرچه موضوع مورد بحث در این کتاب به‌خودی‌خود جدید نیست، اما رویکردهای جدیدی را به این پدیده ارائه می‌کند. با این حال، ممکن است کسانی که انتظار دارند راه ساده‌ای برای مبارزه با فساد پیدا کنند

ناامید شوند. در هر بخش، خواننده می‌تواند تعاریف مختلفی از فساد را مشاهده کند. نماینده‌های مختلف علوم اجتماعی دیدگاه‌های گوناگونی درباره‌ی فساد دارند. افزون بر یافتن برخی دیدگاه‌های نظری جالب و اطلاعات تجربی، حتی ممکن است فردی ایده‌ی مشابهی را بیان کند. با این همه، امید مترجمان کتاب این است که روزی شاهد نظریه‌پردازی در زمینه‌ی فساد در ایران باشند که خود پدیده‌ای بسیار پیچیده و چندلایه است.

در یک جمع‌بندی کلی، بررسی نظریه‌های یادشده نشان خواهد داد که تبیین‌ها و گفتمان‌های گوناگون و نامتجانسی از مسئله‌ی فساد وجود دارد که این نظریه‌ی خود، ماهیت پیچیده، چندلایه، غیرخطی و چندبعدی فساد را هم در مقام یک مفهوم و هم در مقام یک مسئله‌ی اجتماعی جهاد، نشان می‌دهد. در نتیجه، هر کدام از این نظریه‌ها سیاست‌ها، مداخله‌ها و راه‌های متفاوتی برای پیش‌گیری از مسئله‌ی فساد یا مدیریت آن ارائه کرده‌اند. بنابراین، نکته‌ای که باید در بررسی و نظریه‌پردازی اجتماعی فساد مدنظر قرار گیرد این است که تبیین یا سیاست‌گذاری نهایی این مسئله باید بر مبنای نظری یا مدلی استوار باشد که فساد را با توجه به محیط ایجاد آن - معیار و همه‌جانبه‌تر تبیین کرده باشد.

داود حسن‌ی‌اشم زاده

مرکز مطالعات ارتقای سلامت اداری - مقابله با فساد

دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران

اسفند ۹۳

دیباچه

اگر فساد تنها به غرضش پای گاه به گاه در تعهدات شخصی مربوط می شد، ممکن بود بتوان به آن کنار آمد؛ اما افسوس، فساد اشکال بی شمار، علل متنوع و پیآمدهای غیرمنتظره ای دارد که برخی از آن ها تا حدی مهلک و جبران ناپذیرند. نظریه پردازی در مورد فساد، بیش تر شبیه گشتن در هزارتویی پیچیده، با بن بست های فراوان و دوربرگردان های غافل گیرکننده است که حتا جسورترین و بی باک ترین افراد را نگران خواهد کرد.

هدف پژوهش پیش رو، همانند بسیاری از معماهای دیگر علوم اجتماعی، درک بهتر خودمان و در این مورد، درک این موضوع است که چرا مردم و سازمان ها برخلاف آنچه در ملأ عام در مورد آرمان های فرهنگی خود اظهار می کنند، عمل می کنند. اقدامات آن ها آشکارا با آنچه ادعا دارند در دل عزیز می دارند تناقض دارد. این امر تنها در ارجیحت دادن به خود در همه ی امور یا کاملاً بر اساس منافع شخصی عمل کردن خلاصه نمی شود. آن ها بقای جمعی، ثبات و امنیت را حتا بیش تر عزیز می دارند، و در دنبال کردن و محافظت از این ارزش های غایی هدف مندانه عمل می کنند. آن ها (در نظر خود) به دلایل خیری باور دارند که استفاده از ابزارهای مسئله دار را (برای خودشان) توجیه می کند؛ به

پیشرفت‌ها و ابداعاتی دل‌می‌بندند که با موفقیت از پس هنجارهای دست و پاگیر اجتماعی و نهادهای بازدارنده برآمده‌اند؛ و به‌طور خلاصه، خود را روشنفکر می‌دانند، نه تبه‌کار، فریب‌کار، خبیث یا خودخواهانی فاسد در چشم دیگران.

نظریه‌پردازی در مورد فساد، مانند نظریه‌پردازی در مورد بسیاری از موضوع‌های دیگر، نه فقط یک ماجراجویی مخاطره‌آمیز، بلکه احتمالاً پزیز فراتر از آن است. این کار به حدس و گمان و شواهد جامعی نیاز دارد که خود بر اساس پذیرشی مستند و جامع باشند. هرچند، حدس و گمان هم ممکن است کاملاً نامربوط باشد. مستندات جمع‌آوری شده نیز گاه ممکن است راه‌آگول‌زننده و گم‌راه‌کننده باشند. دست‌یابی به پذیرشی همگرا، ممکن است با در نظر گرفتن تنوع نظام باورهایی که در هر زمانی وجود دارد نام‌محسن باشد. این امر حقیقتاً در مورد هر زمینه‌ی پژوهشی دیگر نیز صدق می‌کند، حتی در رشته‌های پژوهشی جاافتاده‌ای مانند ریاضیات، فیزیک، نجوم و پزشکی که حواس انسان را با ابداعات حیرت‌آور تشخیص و عینیت تمام‌عبار تقویت کرده‌اند. علوم اجتماعی هنوز خیلی عقب‌تر از این علوم است. اگر ازارهای پیچیده‌ای که علوم طبیعی در اختیار دارند محروم است. علاوه بر این، هر چه دانشمندان علوم اجتماعی بیش‌تر در رفتار انسان کاوش می‌کنند پیچیدگی‌ها و تناقضات بیش‌تری پدیدار می‌شود. این پیچیدگی‌ها این‌تو و آن‌آشفته‌تر هم می‌کند.

فایده‌ی نظریه‌پردازی این است که تلاش می‌شود ابهام‌ها کاهش یابند، شواهد ساده‌سازی شوند، نکات منسوخ و غیرقابل تأیید حذف شوند و با طرز فکری جدید تلفیق شوند. در روزگار متغیر امروزی، باید زمانی را به تأمل اختصاص داد، ایستاد و بررسی کرد که چه به‌دست آمده و چه کارهای بیش‌تری باید انجام داد تا بر نادانی و غفلت خود غلبه کنیم. فساد، در میان همه‌ی موضوع‌های پژوهشی، موضوعی فرّار و گریزان

است؛ گرچه از آغاز ظهور تمدن وجود داشته و احتمالاً تا زمانی هم که انسان‌ها ناکامل‌اند ادامه خواهد داشت. نظریه‌ی فساد در بخش اعظم وجودش، به‌خاطر بی‌تعارف و برخوردنده‌بودنش، یک موضوع ممنوعه در میان جوامع باادب بوده است. محتوای فساد در طول زمان عوض شده و اگرچه به نظر می‌رسد ابعاد آن گسترش یافته، با این حال آن‌چه شناخته شده تنها میزان کمی از آن چیزی را که واقعاً هست تشکیل می‌دهد. فساد به‌اندازه‌ی موجب انگیزش احساسات می‌شود و به همین دلیل افراد بسیار کم می‌توانند آن‌طور که باید در برابر آن بی‌طرف و خنثا بمانند؛ هم‌چنین افراد کمی هستند که می‌توانند باورهای درونی خود را با خود حمل کنند و در برابر این‌ها و باطنی که اغلب بر اساس حدس و گمان صرف‌اند ایمن بمانند. در این حالت تنها این موارد نیست که موجب گیج و سردرگم شدن حتماً به‌تنهایی متخصصان می‌شود، چراکه پژوهش‌گرانی هم که از نزدیک به اشکال خاصی از فساد می‌پردازند هر چه بیش‌تر شبیه حکایت آن کور و دست‌زدن به فل می‌شوند (به بیان دیگر، تنها به یک یا چند جنبه‌ی محدود مانند ابعاد ررایی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دینی، فرهنگی، قانونی و اجرایی توجه می‌کنند و بدین ترتیب نمی‌توانند کلیت را ببینند و در نتیجه دچار ساده‌انگاری بیش‌از حد می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، آن‌ها برای دست‌یابی به دید بهتر باید کل از تکه خود خارج شوند و با متخصصان رشته‌ها و حوزه‌های دیگر همکاری کنند.

نظریه‌پردازان فساد، به‌رغم تفاوت‌های‌شان، به این امر صریح‌اند که انسان می‌کند که ابهام اجتناب‌ناپذیر ماهیت فساد در کار همه‌ی آن‌ها مشترک است. در سراسر تاریخ بشر، رفتار انسان به‌عنوان رفتار خوب یا بد، درست یا غلط، عادلانه یا غیرعادلانه، مفید یا زیان‌آور، اخلاقی یا غیراخلاقی، صادقانه یا فاسد مورد داوری قرار گرفته است. معمولاً منظور مردم از فساد ارتکاب عملی است که قابل اعتراض است، عملی که بد، مورد تنفر و ناپسند است و افرادی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند

باید از خودشان شرمسار باشند، و طرد و تنبیه شوند؛ حتا اگر شده با ترساندن و ارعاب، تا دوباره مرتکب اشتباه نشوند. علی‌القاعده فساد نپذیرفتنی، ناپسند، شرم‌آور و ناقض قراردادهاى اجتماعى است. مشکل عمده‌ی فساد نبود اجماعی در مورد آن است. با این حال، برای قرن‌ها قوانینی طلایی در اغلب ادیان وجود داشته که در مورد فساد نیز مورد پذیرش‌اند؛ مانند «با دیگران همان‌گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند»، یا برعکس و به بیانی کم‌تر آرمان‌گرایانه «آن‌چه بر خود روا نداری، بر دیگران نیز روا نداشته باش». به علاوه، سوءرفتارها و کج‌رفتاری‌ها؛ ریزه‌ای وجود دارند که به عنوان زمینه‌ی مشترک فساد تلقی می‌شوند مانند: فریب‌کاری، دروغ‌گویی، تظاهر، اختلاس، رشوه، سوءاستفاده از قدرت، نادیده گرفتن تعهدات و تکالیف اجتماعي پذیرفته‌شده. به این فهرست مجموعه‌ی دیگری از رفتارهایی اضافه می‌شود که امروزه نسبت به انواع مشابه تنفرآمیز هستند و نقض درست‌کاری و اعتمادپذیری را عصبی تلقی می‌شوند؛ کارهایی که غیرقانونی، تخلف، انحراف و جرم انگاشته می‌شوند و یا رفتارهایی که تهاجمی و مشکل‌آفرین هستند، همگی در این فهرست قرار دارند و نه تنها خود عمل بلکه انگیزه و نیت آن (خود را هم)، پس آمده‌ای مشهود (مصیبت‌آور) و احتمالاً پشیمانی ناشی از آن (تألمف به هر راه تلاش برای جبران) نیز از نشانه‌های فساد برشمرده می‌شوند. بنابراین، عناصر تشکیل‌دهنده‌ی فساد را می‌توان بنا به خواست خود بسیار محدود یا گسترده در نظر گرفت، اما همه‌ی این‌ها باید به صورت منصفانه در پژوهش‌ها مورد توجه قرار گیرد. آن‌چه در نهایت نظریه‌پردازان یک حوزه‌ی پژوهشی را متحد می‌کند تشخیص این مسئله است که پژوهش در مورد فساد مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، و تشویق یا حمایت نمی‌شود. فسادپژوهان در جایگاه برابری با دیگر پژوهش‌گران قرار نمی‌گیرند و حتا ممکن است خطرات جانی و مالی آن‌ها را تهدید کند، به‌خصوص اگر

بسیاری از موشکافی‌های خود در مورد فعالیت‌های فاسد را فاش کنند. آنچه پژوهش‌گران و نظریه‌پردازان را بیش‌تر از هم جدا می‌کند، این است که آن‌ها اغلب نه تنها بی‌اعتنایی عمومی مواجه‌اند بلکه از سوی همکاران خود نیز نادیده گرفته می‌شوند. اگر این‌طور نبود، بسیاری از مباحث و منازعات میان آن‌ها کاهش می‌یافت. بیش‌تر افراد فساد را به مثابه واقعیاتی از زندگی که در همه جا هست (و حتا در برخی نقاط سستی از زندگی است) درک می‌کنند؛ اما به این مسئله توجه نمی‌کنند که خودشان هم در آن غوطه‌ور هستند یا نه، یا اصلاً می‌خواهند کاری در مورد آن انجام دهند. افشاگری‌ها به ندرت موجب شگفتی مردم می‌شوند، مگر آن‌که برای آن‌ها به بارآمده آن چنان فاحش و مشکوک باشند که قدری به آن‌ها توجه شود. البته بازهم از شنیدن آن‌ها شوکه نخواهند شد. در غیر این صورت، اکثر افشاگرانی بی‌اعتنایی از آن می‌گذرند و منتظر افشاگری بعدی می‌مانند برای آن‌ها انجام دادن کاری بیش از این مانند کوبیدن سر به دیوار است. با همه این‌ها، اغلب فسادپژوهان از این بی‌اعتنایی ناراضی‌اند و دوست دارند مردم یافته‌ها و توصیه‌های آن‌ها توجه و عمل کنند. از صمیم قلب دوست دارند به اندازه‌ی هم‌تایان خود در علوم طبیعی مؤثر باشند، کسانی که دیگر مسائل خطرناکی که مربوط به زمان می‌شوند نمی‌پردازند. این نظریه‌پردازان ارمان‌های خود را رها نکرده‌اند، هرچند نظریات‌شان مستدل، سست، بسیار انتزاعی باشد. از نظر آن‌ها، استدلال همیشه معتبر است. هدف آن‌ها در عصر حاضر این است، امور نیست، بلکه می‌خواهند همه چیز را عوض کنند، هر چه هست را بهبود دهند، رفتار بهتری از انسان طلب می‌کنند و درست‌کاری فردی را ارتقا می‌دهند. این مسائل را هنگام مطالعه‌ی این اثر به یاد داشته باشید.

جرالد ای. کایدن

لس آنجلس، سپتامبر ۲۰۰۹